

389-297
۳۸۹-۲۹۷

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

297

Case No. 389

Date of filing: 12-Feb 82

** AWARD - Type of Award Interlocutory
- Date of Award 12-Feb 82
7 pages in English 11 pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____

- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

پرونده شماره ۳۸۹

شعبه دو

حکم شماره ۲-۳۸۹-۶۷ آ.ی.تی. ال

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داری دعوی ایران - ایالات متحدہ
ثبت شد - FILED	
Date	12 FEB 1987 تاریخ
	۱۳۶۵ / ۱۱ / ۲۲
No.	389 شماره

وستینگهاوس الکتریک کورپوریشن،

خواهان،

- و -

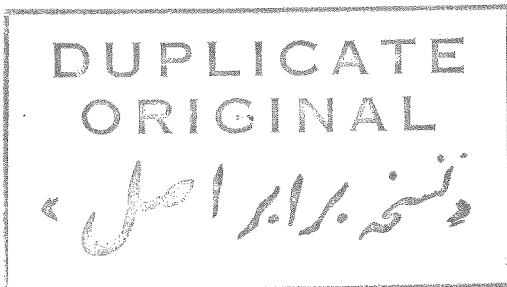
جمهوری اسلامی ایران،

نیروی هوائی جمهوری اسلامی ایران،

هواپیمائی ملی ایران (ایران ار)،

شرکت ملی نفت ایران،

خواندگان.



قرار اعدادی

حاضران :

از طرف خواهان: آقای استیفن ام بوید،

وکیل،

آقای جیمز لانگن والتر،

آقای رابرت مک فارلند،

آقای رابرت انگاس،

آقای جان ساگس،
آقای جیمز هاپینسون،
نمایندگان طرف.

از طرف خوانندگان : آقای محمد کریم اشراق،
نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران،
آقای سیف اله محمدی،
مشاور حقوقی نماینده رابط،
آقای محسن آزاده،
دستیار حقوقی نماینده رابط،
آقای غلامرضا داوریان،
وکیل نیروی هوایی،
آقای منصورتهرانی،
آقای مناف دولت زاده،
نمایندگان نیروی هوایی،
سرهنگ محمد شاهرخی،
شاهد.

سایر حاضران : آقای جان کروک،
نماینده رابط ایالات متحده،
خانم کتلین کورکن،
دستیار نماینده رابط.

اول - موضوع

۱ - صلاحیت این دیوان در رسیدگی به دعاوی محدود به چند نوع ادعا و ادعای متقابل مندرج در بیانیه حل و فصل دعاوی می باشد. برای نمونه، دیوان خود را برای رسیدگی به ادعاهائی که علیه اتباع ایرانی یا امریکائی طرح شوند، صالح ندانست (به استثنای ادعاهای مطروح علیه واحدهای تحت کنترل که مشمول تعاریف "ایران" و "ایالات متحده" در بندهای ۳ و ۴ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی می باشند). تصمیم شماره الف-۱ دیوان عمومی (۲۶ ژانویه ۱۹۸۲ / ۶ بهمن ماه ۱۳۶۰) لیکن بند ۱ ماده دو بیانیه مزبور، صلاحیت رسیدگی به ادعاهای متقابلی را علیه اتباعی که ادعاهائی در دیوان طرح می نمایند به دیوان اعطاء می کند مشروط براینکه چنین ادعاهای متقابل "از همان قرارداد، معامله یا رویدادی ناشی شده باشد که موضوع ادعای همان تبعه را تشکیل می دهد." چنین صلاحیتی به عنوان یک موضوع ابتدایی انصاف قابل درک است، اگر چنین ادعاهای متقابل کاملاً مرتبط با اصل ادعا وجود داشته باشد، از انصاف به دور است که از طرح در دیوان ممنوع شوند، و ضمن حل و فصل ادعاهای اصلی مورد رسیدگی قرار نگیرند. این رویه به طور کلی با رویه رسیدگی در دیوانهای بین المللی نیز سازگار می باشد که تنها ادعاهای متقابلی را مجاز می دانند که مستقیماً با موضوع ادعای اصلی مرتبط باشند(۱). درعین حال صلاحیتی که بیانیه جهت رسیدگی به ادعاهای متقابل اعطا می کند انحصاری نیست (خواهان متقابل آزاد است که آن ادعاها را در سایر دیوانها تعقیب نماید). سیستمز اینکورپوریتد و جمهوری اسلامی ایران و سایرین. قرار موقت شماره ۳۸۸-۱۳ دیوان عمومی مورخ ۴ فوریه ۱۹۸۳ (۱۵ بهمن ماه ۱۳۶۱). به علاوه صلاحیت این دیوان محدود به ادعاهای متقابل کاملاً مرتبط با اصل

(۱) برای نمونه رجوع شود به ماده ۸۰ قواعد دیوان بین المللی دادگستری، و نیز ماده ۴۶ کنوانسیون حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری بین دول و اتباع سایر دول.

ادعا است. یک خواهان با طرح ادعای ناشی از یک یا چند قرارداد، خود را در آن رسیدگی در معرض هر ادعای متقابلی که خوانده‌ای می‌تواند علیه وی داشته باشد، قرار نمی‌دهد بلکه تنها جوابگوی آن عده از ادعاهای متقابلی می‌شود که از همان قرارداد یا معامله ناشی شده باشند. موضوعی که دیوان در قراراعدادی حاضر با آن روبرو است، این است که آیا برخی از ادعاهای متقابل مطروح در پرونده حاضر که از سه قرارداد غیراز قراردادهای مبنای ادعای اصلی ناشی می‌شوند "ناشی از همان" معامله" موضوع ادعاهای اصلی می‌باشند یا خیر.

دوم - واقعیات

۲ - وستینگهاوس الکترونیک کورپوریشن ("خواهان") در قسمتی از پرونده که به موضوع مورد بحث ارتباط دارد، چهار ادعا علیه نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران ("خوانده") اقامه کرده که هر یک مبتنی بر قرارداد متفاوتی بین طرفین است درباره یک دپوی جامع الکترونیک (Integrated Electronics Depot) ("دپو") که خواهان طراحی و در ایجاد آن با خوانده معاوضت کرده، و منظور از آن تعمیر و نگهداری سیستمهای اسلحه و الکترونیکی بوده است. خوانده نیز به نوبه خود بر مبنای قراردادهای متعدد بین طرفین از جمله چندین قرارداد مبنای ادعاها و نیز تعدادی قراردادهای دیگر که مبنای هیچیک از ادعاهای خواهان نیست، تعدادی ادعاهای متقابل علیه خواهان اقامه کرده است. تقریباً تمام ادعاهای متقابل مبتنی بر قراردادهای مربوط به دپو می‌باشند.

۳ - دپو به نحوی طراحی شده بود که برای جا دادن سیستمهای جدید الکترونیکی و اسلحه که خوانده بمرور خریداری می‌کرد، قابل تبدیل باشد و چندین محوطه کارگاهی یا "کارگاه" مجزا برای کار با رادیو و رادار و یا وسایل الکترومکانیکی را در برمی‌گرفت. قراردادهای دپو در زمانهای متفاوتی بین سالهای ۱۹۷۱ و ۱۹۷۸ منعقد، و در هر

یک از آنها پیش بینی شده بود که خواهان، خدمات یا وسایل مشخصی یا هر دو را که برای تاسیس، تبدیل یا توسعه یک یا چند کارگاه تخصصی در دیو ضروری باشد، تامین خواهد کرد.

۴ - از هیجده ادعای متقابلی که در این پرونده طرح شده، فقط سه ادعا مستقیماً در حکم حاضر مورد بحث است. این سه ادعا مبتنی بر سه قراردادی است که در سال ۱۹۷۵ به عنوان قسمتی از توسعه کلی دوم دیو بین طرفین منعقد شده بود، و آن توسعه در نتیجه خرید انواع جدید هواپیما توسط خواننده ضرورت یافته بود: قراردادهای شماره آی دبلیو پی سی - ۰۱۸ مورخ ۱۳ اوت ۱۹۷۵ (۲۲ مرداد ماه ۱۳۵۴) مربوط به کارگاه رادار، و شماره آی دبلیو پی سی - ۱۹. مورخ ۱۳ اوت ۱۹۷۵ (۲۲ مرداد ماه ۱۳۵۴) مربوط به کارگاه الکترومکانیک و شماره آی دبلیو پی سی - ۰۲۰ مورخ ۱۳ اوت ۱۹۷۵ (۲۲ مرداد ماه ۱۳۵۴) مربوط به کارگاه رادیو ("قراردادهای موضوع ادعاهای متقابل"). موضوع صلاحیت دیوان برای رسیدگی به این سه ادعای متقابل برای اخذ تصمیم در همان اوایل از سایر موضوعات منتزع گردید، زیرا همان ادعاهای مبتنی بر آن سه قرارداد را خواننده در یک دادگاه ایرانی علیه خواهان طرح کرده بود و خواهان در پاسخ آن دعوایی در یک دادگاه ایالات متحده اقامه و تقاضای رای اعلامی نمود. هر دو دعوای مطروح در دادگاههای کشورهای متبوع طرفین طبق دستور این دیوان متوقف گردیدند.

۵ - چهار قراردادی که خواهان ادعاهای علیه خواننده را بر مبنای آنها طرح نموده عبارتند از: قراردادهای شماره آی دبلیو پی سی - ۰۰۷ مورخ ۱۹ نوامبر ۱۹۷۴ (۲۸ آبان ماه ۱۳۵۳) و مربوط به آرایش فنی ایستگاههای آزمایشی کارگاه رادار در نتیجه خرید یک سیستم رادار جدید، بنام ای ان/ای پی کیو - ۱۲۰. قرارداد شماره آی پی دبلیو سی ۰۰۹ مورخ ۱۶ فوریه ۱۹۷۵ (۲۷ بهمن ماه ۱۳۵۳) مربوط به تهیه امکانات

دپو برای نگاهداری دستگاه آتشبار ضد هوایی قابل کنترل با رادار به نام "سوپر فلدرماوس"، قرارداد شماره آی دبلیو پی سی - ۰۱۰ مورخ اول مارس ۱۹۷۵ (۱۱ اسفند ماه ۱۳۵۳)، مربوط به تهیه امکانات کارگاه رادیو برای نگاهداری دو سیستم رادیویی که تازه خریداری شده بود بنام ای ان / تی پی اکس - ۴۶ (۵) دستگاه پرسشگر (Interrogator Set) و ای ان / تی آر سی - ۱۴۵ - دستگاه ترمینال، و قرارداد شماره آی دبلیو پی سی - ۰۳۵ مورخ ۵ فوریه ۱۹۷۸ (۱۶ بهمن ماه ۱۳۵۶) مربوط به کمک های مهندسی و خدمات پشتیبانی به کارگاه رادار و پرسنل دپو برای برخی سیستمهای رادار زمینی و هوابرد و نیز برای سیستم کامپیوتری که طبق قرارداد قبلی بین طرفین تامین شده بود. این چهار قرارداد در زیر به عنوان "قراردادهای موضوع ادعا" مورد اشاره قرار می گیرند.

سوم - دلایل حکم

۶ - بدیهی است که هر یک از قراردادهای موضوع ادعای متقابل قانوناً مجزا و متمایز از قراردادهای موضوع ادعاها می باشند. خواننده هیچ تعهد قراردادی برای خرید خدمات و دستگاههای موضوع قراردادهای موضوع ادعا و ادعاهای متقابل از خواهان، یا در واقع حتی برای دادن فرصت شرکت در مناقصه آن کار به خواهان نداشت. از طرف دیگر، واضح است که خواهان به عنوان طراح دپو و تهیه کننده بیشتر وسایل آن، از لحاظ رقابت مزایای زیادی برای دریافت قراردادهای پیشنهادی به منظور توسعه، آرایش فنی یا سرویس دپو داشت. مدارک حاکی است که به استثنای یک مورد، خواننده خدمات مهندسی دپو را منحصرآ از خواهان خریداری کرد، هر چند که در شرایط خاص وسایل آزمایش و خدمات پشتیبانی در رابطه با برخی سیستمهای الکترونیک و اسلحه را به جای خواهان از سازنده خریداری کرد. در مورد خاص توسعه آزمایشگاه اندازه گیری تجهیزات و وسایل که ظاهراً قبل از دپو تاسیس شده بود، خدمات مهندسی از شرکت دیگری

خریداری شد.

۷ - بررسی قراردادهای موضوع ادعاهای متقابل و قراردادهای موضوع ادعاهای ارتباطات موضوعی بسیار مهم موجود بین آنها را آشکار می سازد. پروژه دپو در مجموع به عنوان یک کوشش مشترک خواهان و خواننده پیش می رفت هر چند که هیچیک از طرفین قانوناً حقی یا تعهدی برای ادامه کار خارج از حدود قراردادهای منعقد شده نداشت. مدارک حاکی است که طرفین در سرتاسر مدت بین سالهای ۱۹۷۱ و ۱۹۷۸ ارتباطات خود را براساس دپو و نه صرفاً بر حسب یک یک قراردادهای حفظ کردند با اینکه مسائل مربوط به تعهدات و اجرای متقابل مسلماً در هر مورد طبق قرارداد مربوط تعیین می شد. علاوه بر آن، قراردادهای موضوع ادعاهای متقابل جزئی از سلسله بهم پیوسته ای بودند به این معنی که هر یک بازتابی بود از توسعه مبانی تکنولوژیکی که با قراردادهای پیش از آن و از جمله بعضی از قراردادهای مبنای ادعاهای خواهان در این پرونده بوجود آمده بود و در هر یک از آنها استفاده از وسایل تهیه شده طبق قراردادهای قبلی، پیش بینی شده بود.

۸ - دیوان در چند حکمی که این موضوع در آنها مورد بررسی قرار گرفت، تنها یکبار نظر داد که صلاحیت رسیدگی به ادعای متقابل ناشی از قراردادی مبنای ادعای آن پرونده را دارد. امریکن بل اینترنشنال اینکوریوریتد و دولت جمهوری اسلامی ایران و سایرین قراراعدادی شماره ۳-۴۸-۴۱ (۱۱ ژوئن ۱۹۸۴ / ۲۱ خرداد ماه ۱۳۶۳). دیوان در چهار پرونده نظر داد که صلاحیت رسیدگی ندارد زیرا قرارداد مبنای ادعای متقابل جزئی از همان معامله مبنای قرارداد موضوع ادعا نبود. آر ان یومروی و سایرین و دولت جمهوری اسلامی ایران حکم شماره ۳-۴۰-۵۰ (۸ ژوئن ۱۹۸۳ / ۱۸ خرداد ماه ۱۳۶۲)، موریسن کنودسن پاسیفیک لیمیتد و وزارت راه و ترابری و سایرین حکم شماره ۳-۱۲۷-۱۴۳ (۱۳ ژوئیه ۱۹۸۴ / ۲۲ تیر ماه ۱۳۶۳)، آر جی رینولدز توباکو کامپنی و

دولت جمهوری اسلامی ایران و سایرین حکم شماره ۳-۳۵-۱۴۵ (۶ اوت ۱۹۸۴/۱۵ مرداد ماه ۱۳۶۳)، و جنرال موتورز کورپوریشن و سایرین و دولت جمهوری اسلامی ایران و سایرین حکم شماره ۱-۹۴-۲۷۹ (۱۷ دسامبر ۱۹۸۶/۲۶ آذر ماه ۱۳۶۵).

۹ - در پرونده آر. ان یومروی، ادعا مبتنی بر قرارداد طرح ریزی، توسعه و خدمات اداری در رابطه با دو پروژه ساختمانی برای نیروی دریائی ایران بود در حالی که در یکی از ادعاهای متقابل، وجوهی که به موجب قراردادهای قبلی بین طرفین به خواهان پرداخت شده بود، مطالبه می شد. در پرونده مورپسن کنودسن، ادعای مربوط مبتنی بود بر قرارداد طراحی دو قطعه از یک بزرگراه، در حالی که برخی از ادعاهای متقابل بر دو قرارداد دیگری مبتنی بودند که حدود ده ماه بعد در مورد خرید وسایل و تجهیز کارگران و ساختمان اردوگاههای کار برای احداث بزرگراه منعقد شده بود. در پرونده آر جی رینولدز، ادعاها مبتنی بر قراردادهای مشخصی برای فروش فرآوردههای دخانی بود در حالی که چهار فقره از ادعاهای متقابل مبتنی بر یک قرارداد کلی امتیازی بود که به صاحب امتیاز ایرانی اجازه استفاده از تکنیک ها و علائم تجاری رینولدز و توزیع سیگارهای وینستون در ایران می داد. در پرونده جنرال موتورز یکی از ادعاها مبتنی بود بر قسمتی از یک قرارداد وام با شرکت یک شخص ثالث جهت تامین هزینه لوکوموتیوهای فروخته شده به خواننده، در حالی که ادعاهای متقابل مبتنی بر قراردادهای فروش آن لوکوموتیوها و لوکوموتیوهای دیگری بودند.

۱۰ - در پرونده امریکن یل، تنها پروندهای که دیوان خود را نسبت به ادعای متقابل مبتنی بر قراردادی متمایز از قرارداد موضوع ادعا صالح دانست، سه قرارداد شامل دوره های متوالی برای ادامه اجرای کار واحدی توسط خواهان در یک پروژه بود. ادعاها مبتنی بر قراردادهای دوم و سوم بود که هر یک شامل یک دوره یک ساله می شد در حالی که ادعاهای متقابل مورد بحث مبتنی بر قرارداد اول بود، شامل یک دوره موقت به

مدت سه ماه و نیم تا انعقاد قرارداد دوم که شامل یک سال تمام بود. دیوان نظر داد که با توجه به شرایط خاص آن پرونده، ارتباط بین سه قرارداد "به حد کافی محکم" بود که از لحاظ صلاحیت دیوان بر ادعاهای متقابل آنها را بصورت یک معامله واحد در آورد.

۱۱ - با مقایسه وضع پرونده حاضر و سوابق فوق الذکر، روشن به نظر می رسد که الگوی واقعیات در این پرونده به منطق استدلال در پرونده امریکن بل خیلی نزدیکتر است تا منطق مورد استناد در چهار پرونده دیگر. ضمن اینکه قراردادهای مختلف در این پرونده شامل کالاها و خدمات متفاوت بوده و در مواقع مختلفی منعقد شده، معینا کلیه قراردادهای به پروژه دیو مربوط بودند که هر دو طرف عملاً نسبت به کل آن خود را متعهد کرده بودند. از نظر عملی، حتی با اینکه طرفین توافق کرده بودند که قراردادهای جداگانه منعقد کنند، معینا خواننده هیچ امکان منطقی برای دریافت خدمات مورد نیاز خود از یکی از رقبای خواهان نداشت و هنوز اجرای مرحله سه قرارداد اولیه طرفین درباره پروژه دیو تکمیل نشده بود که قراردادهای موضوع ادعا و قراردادهای موضوع ادعاهای متقابل به آن پروژه در حال اجرا، اضافه شدند. طرفین در ابتدا صرفاً قرارداد اولیه را اصلاح، و خدمات مرحله سه پروژه دیو را بآن اضافه، و بعداً قراردادهای جداگانه دیگری منعقد کردند، ولی این تغییر فرم ماهیت روابط آنها را در رابطه با پروژه دیو تغییر نداد. سرانجام وقتی طرفین توافق کردند به قرارداد اولیه پایان دهند، بعضی کارهای باقیمانده از آن قرارداد (اصلاحی) به قراردادهای مربوط به ادعاهای متقابل انتقال داده شد که در اصل فقط برای اجرای توسعه کلی دوم امکانات دیو بود. به این ترتیب، پروژه دیو به صورت کلی شامل یک معامله واحد بود. بنابراین دیوان خود را برای رسیدگی به ادعاهای متقابل مورد بحث در این حکم صالح می داند.

۱۲ - با اظهار این نظر که دیوان صلاحیت رسیدگی به ادعاهای متقابل مورد بحث را دارد، دستورهای دیوان دائر بر توقیف رسیدگیهای دادگاههای ایران و امریکا به عنوان

قرار موقت لغو می شود. چون این ادعاهای متقابل در حیطه صلاحیت دیوان قرار دارند طبق بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی طرفین از تعقیب دعاوی مربوط در دادگاه عمومی تهران و دادگاه بخش مرینند در ایالات متحده ممنوع می باشند.

چهارم - قرار اعدادی

۱۳ - به دلایل پیش گفته،

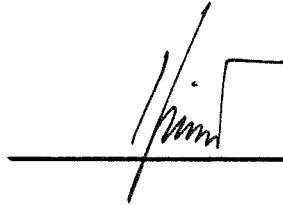
تصمیم دیوان به شرح زیر است:

(الف) ادعاهای متقابل مبتنی بر قراردادهای شماره آی دبلیو پی سی - ۰۱۸، آی دبلیو پی سی - ۰۱۹ و آی دبلیو پی سی - ۰۲۰ در صلاحیت دیوان می باشند.

(ب) سایر مسائل صلاحیتی این پرونده به ماهیت دعوا منضم می شوند.

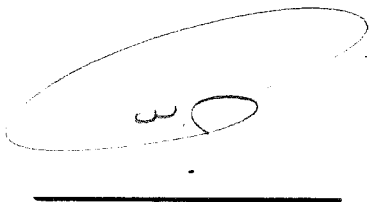
(ج) ادعاهای متقابلی که در قرار اعدادی حاضر در صلاحیت دیوان شناخته شدند، از تاریخ ثبت در دیوان از صلاحیت دادگاههای ایران، ایالات متحده یا هر دادگاه دیگری خارج بوده و خواهند بود.

لاہء، به تاریخ ۱۲ فوریه ۱۹۸۷ برابر ۲۳ بہمن ماہ ۱۳۶۵

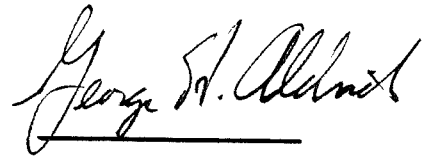


روبرت برینر
رئیس شعبہ دو

به نام خدا



حمید بہرامی احمدی
موافق در نتیجہ



جرج اچ. آلدریچ

م. ف / م. ب